

اشتباه در شخصیت در عقد نکاح و ضمانت اجرای آن

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

زکيه فلاح

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

خانواده، کهن ترین و مهم ترین گروه انسانی است و تمایل جنسی زن و مرد و محبت فطری که پدر و مادر به فرزندان خود دارند، موجب شده است که خانواده به عنوان واحدی طبیعی و محترم، از دیرباز به وجود آید. در مورد عقد نکاح، اشتباه تصور نادرستی است که یکی از زوجین در هویت جسمی یا در اوصاف طرف دیگر یا در مهر دارد. این اشتباهات برحسب اندازه و اهمیت و اندازه تأثیر آنها در اراده، دارای احکام متفاوتی است. گاهی، اشتباه اراده را به کلی زائل می کند و موجب بطلان نکاح می شود و گاهی، فقط حق فسخ به اشتباه کننده می دهد و گاهی نیز تأثیری در نکاح ندارد. ضمانت اجرای اشتباه در عقد نکاح با سایر عقود از جهاتی مشابه و از جهاتی دارای تفاوت است، بدین شرح که ضمانت اجرای اشتباه در خود موضوع معامله در سایر عقود موجب بطلان عقد خواهد بود اما در عقد نکاح موضوع معامله زوجین نبوده، زیرا عقد نکاح یک عقد غیر مالی می باشد، لکن این نوع از اشتباه در خصوص مهریه ممکن است رخ دهد، و اشتباه در خصوص مهریه در نکاح دائم خللی به صحت عقد نکاح وارد نمی سازد و تنها توافق در خصوص مهریه از بین رفته و نیازمند تراضی جدید خواهد بود، لکن در خصوص نکاح منقطع به جهت اینکه مهریه از ارکان اصلی این نوع از نکاح محسوب می شود، لذا اشتباه در مال موضوع مهریه، سبب بطلان مهریه و به تبع آن بطلان نکاح خواهد شد.

واژگان کلیدی: نکاح، ضمانت، زوج، اشتباه، نکاح، شخصیت

مقدمه

در نظام‌های حقوقی که عقود رضایی می‌باشند و اصل حاکمیت اراده، مورد پذیرش قرار گرفته است، عیوب اراده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، زیرا اراده سالم می‌تواند منشاء حقوق گردد و عقد، عملی است ارادی که همه توان خود را از آن می‌گیرد. در نتیجه، هنگامی که اراده آزادانه و آگاهانه تکوین پیدا نکرده باشد، از اراده مستقل سخنی به میان نمی‌آید. اشتباه در قرارداد به عنوان یکی از عیوب اراده در ماده ۱۹۹ ق.م ایران مطرح گردیده است و در دو ماده بعد به ترتیب قاعده عمومی مربوط به اشتباه در خود موضوع معامله و اشتباه در شخص طرف قرارداد بیان شده است. این مواد به طوری مبهم و اختلاف برانگیز طراحی شده‌اند. اشتباه در مفهوم حقوقی به طور کلی، تصور نادرستی است که آدمی از موضوع پیدا می‌کند و بر این تصور افعالی را مرتکب می‌شود که او را متعهد و ملزم می‌سازد. حال چه بسا اگر در آغاز به این موضوع واقف بود هیچ گاه میل و اراده او بر ارتکاب این افعال قرار نمی‌گرفت (عدل، ۱۳۸۹: ۱۱۶). قانون مدنی در شروط اساسی صحت معاملات، اشتباه را به عنوان یکی از عیوب رضا شناخته و در مواردی که بر اثر اشتباه، عقدی میان دو طرف بسته می‌شود آن را باطل یا قابل فسخ شناخته است. مانند بایع که در هویت موضوع عقد اشتباه می‌کند و کتاب را به جای دفتر می‌فروشد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶: ۷۵) یا در عقد نکاح زن با نظر به قرائن و اوضاع و احوال تصور می‌نماید که همسر آینده اش مهندس یا پزشک است و به این دلیل، به ازدواج تن در می‌دهد. در نتیجه بر آن شدیم که به بررسی اشتباه در عقد نکاح بپردازیم و تأثیر اشتباه را بر آن بررسی نماییم. اینکه ضمانت اجرای اشتباه در عقد نکاح چه خواهد بود، لازمه‌اش دانستن این موضوع است که چه نوع اشتباهی در عقد نکاح، مؤثر است. آیا هر اشتباهی عقد نکاح و بنیان آن را متزلزل می‌سازد یا اشتباهات مهم و اساسی در برهم زدن آن نقش دارند؟ به موضوع اشتباه، در قواعد عمومی قراردادها پرداخته شده است و در مبحث نکاح، در ماده ۱۰۶۷ ق.م به لزوم تعیین زن و شوهر اشاره شده و از آن، به عنوان شرط صحت نکاح یاد شده است که در کتب فقهی نیز به این موضوع اشاره شده است، که اشتباه در هویت شخص در عقد نکاح، ضمانت اجرای بطلان را خواهد داشت (امینی و آیتی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). خانواده، کهن‌ترین و مهم‌ترین گروه انسانی است و تمایل جنسی زن و مرد و محبت فطری

که پدر و مادر به فرزندان خود دارند، موجب شده است که خانواده به عنوان واحدی طبیعی و محترم، از دیرباز به وجود آید. اصل دهم قانون اساسی، نقش بنیادی خانواده را در حقوق نیز اعلام می‌کند. در این اصل می‌خوانیم: «از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». در مورد عقد نکاح، اشتباه تصور نادرستی است که یکی از زوجین در هویت جسمی یا در اوصاف طرف دیگر یا در مهر دارد. این اشتباهات برحسب اندازه و اهمیت و اندازه تأثیر آنها در اراده، دارای احکام متفاوتی است. گاهی، اشتباه اراده را به کلی زائل می‌کند و موجب بطلان نکاح می‌شود و گاهی، فقط حق فسخ به اشتباه کننده می‌دهد و گاهی نیز تأثیری در نکاح ندارد. در مجموع، احکام قانون درباره اثر اشتباه، مبهم و متعارض می‌باشد و به نظر می‌رسد که قانونگذار در مورد اشتباه به یک وحدت و اقناع کامل نرسیده است آن چنان که در مواد یاد شده بالا و مواد دیگر قانون مثل صلح و بیع و... نوعی تعارض مشاهده می‌گردد که دلیل آن به درستی مشخص نگردیده است. در نهایت، اشتباه در شخص طرف قرارداد با اشتباه در خود موضوع معامله تفاوت بنیادینی ندارد. اشتباه در شخص طرف قرارداد، در قراردادهایی اثر می‌گذارد که شخصیت طرف در آن قرارداد اهمیت داشته باشد و علت عمده بوده باشد. مهم‌ترین این قراردادهای، عقد نکاح می‌باشد که اشتباه در هویت مادی و هویت مدنی طرف مقابل موجب بطلان عقد خواهد شد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۶۷)، ولی اشتباه در اوصاف طرف مقابل در فرضی که شخص تصور می‌کند فلان ویژگی را می‌بایست دارا باشد و خلاف آن برای وی ثابت شود اثری در عقد نخواهد داشت مگر اینکه بر وصف خاصی به صورت صریح یا ضمنی توافق شده باشد که در این صورت نیز موجب بطلان نخواهد بود و تنها خیار فسخ خواهد داشت.

بخش اول: اقسام اشتباه در شخصیت

در این بخش در قالب چهار بند، به بررسی اقسام اشتباهاتی که امکان وقوع در نکاح را دارند خواهیم پرداخت.

بند اول: اشتباه در شخصیت طرف

در این صورت، از نظر مادی کسی طرف عقد واقع شده که از آغاز مورد نظر بوده است ولی بعدها معلوم می‌گردد که طرف عقد او را به جای دیگری گرفته و در وضع مدنی و نام او در اشتباه بوده است، مانند این که ولگردی اسناد سجلی هنرمند مشهوری را بر باید و با آن اسناد به خواستگاری دختری رود و دختر، به تصور این که به همسری هنرمند مورد علاقه خود در می‌آید پیشنهاد ولگرد را پذیرفته و با او ازدواج نماید (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۸۳).

در این مورد دختر با همان کسی که دیده است ازدواج کرده ولی نسبت به هویت او دچار اشتباه بوده است یا به گفته پاره‌ای از نویسندگان، اشتباه در اتحاد حقوقی طرف عقد با کسی که مورد نظر بوده رخ داده است (شهیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

بند دوم: اشتباه در هویت مادی

اشتباه در هویت مادی، یعنی شخصی غیر از شخص اصلی و مورد نظر، طرف عقد قرار گیرد (صفایی، ۱۳۷۵: ۳۲۲). مثلاً، فردی خانمی را که قبلاً دیده خواستگاری می‌کند و در خواستگاری غافل از این است که با خواهر مشابه وی عقد را جاری می‌نماید، که در این حالت ممکن است طرفین در اشتباه باشند. در اینجا به لحاظ فقدان قصد عقد باطل است (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۸۳). (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۷۶).

بند سوم: اشتباه در اوصاف اساسی

در این فرض، طرف عقد از نظر مادی و حقوقی با کسی که مقصود او بوده یکسان است ولی عقد به گمان وجود صفتی در او بسته شده است که در واقع آن شخص دارا نبوده است. مانند این که دختری با مردی که دیده است و دارای شغل معین است ازدواج می‌کند اما صریحاً شرط می‌شود یا ضمناً بر دارا بودن مدرکی معین تبانی می‌شود و بعد از نکاح مشخص می‌شود که آن (مدرک) وصف مورد توافق را دارا نمی‌باشد، که این اشتباه موجب بطلان نکاح نمی‌شود بلکه فقط حق فسخ برای اشتباه کننده ایجاد می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۴۵). (علامه، ۱۳۸۵: ۲۵).

بند چهارم: اشتباه در اوصاف فرعی

در خصوص اشتباه در وصف، شخص الف با شخص ب ازدواج می‌کند به تصور این که او دارای مدرک لیسانس است بعداً متوجه می‌شود که او فاقد این وصف می‌باشد و در صورتی که این وصف در عقد تصریح نشود یا به طور ضمنی بر آن تبانی نشده باشد، این اشتباه از

نوع اشتباه در اوصاف فرعی خواهد بود (رسولی، ۱۳۸۶: ۲۸). (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۴۵). به نظر می‌رسد چون خود شخص به جهت عدم بررسی و به صرف تصور خود دچار چنین اشتباهی شده و طرف مقابل در به اشتباه انداختن وی نقشی نداشته، به صحت عقد خللی وارد نمی‌شود.

بخش دوم: ضمانت اجرای اشتباه در شخصیت

در این بخش ضمانت اجرای هریک از اقسام اشتباهاتی که در بخش قبل به آن پرداخته شد را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بند اول: ضمانت اجرای اشتباه در شخصیت طرف

این اشتباه که از آن به اشتباه در وضعیت مدنی یا اشتباه در شخصیت طرف تعبیر می‌گردد نیز باعث بطلان نکاح است. نکته مهم این است که شخص با شخصیت تفاوت دارد. شخص یعنی جسم (سر و دست و پا) و شخصیت یعنی مجموعه خصوصیتی که یک شخص را از شخص دیگر جدا می‌کند. در این حالت دوم، شخص همان است. یعنی اشتباهی در شخص رخ نداده است، ولی در شخصیت اشتباه شده است. یعنی یک شخص خودش را جای دیگری جا زده است. مثلاً یک نفر می‌آید و شناسنامه یک هنرپیشه معروفی را جعل می‌کند و به خانمی می‌گوید که من فلانی هستم (البته لزوماً نباید فرد معروفی باشد)، در این مورد و بعد از این که معلوم می‌شود او آن فرد مورد نظر نیست عقد باطل است (کاتوزیان: ۱۳۶۸، ۵۲).

بند دوم: ضمانت اجرای اشتباه در هویت مادی

اشتباه در هویت جسمی، اشتباهی است که شخص به جای دیگری طرف عقد قرار گیرد. در عمل گاهی اتفاق می‌افتد که زنی را به مردی نشان می‌دهند که مورد پسند او واقع می‌شود ولی ازدواج با نام خواهر یا یکی از خویشان آن زن بسته می‌شود و این شخص سند ازدواج را امضا می‌کند. این نکاح از لحاظ این که آنچه در خارج واقع شده منطبق با اراده حقیقی طرف قرارداد نیست و وانگهی این اشتباه در حقیقت توافق اراده را که اساس عقد است از میان می‌برد باطل است (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۴۴). نکاح یک قرارداد شخصی بوده و شخصیت هر یک از طرفین برای طرف دیگر اهمیت اساسی دارد و هرکس با دیگری به لحاظ شخصیت ویژه او ازدواج می‌کند. پس اگر معلوم شود کسی که سند نکاح را امضا کرده

غیر از شخص مورد نظر بوده، نمی‌توان نکاح را صحیح تلقی کرد که این امر را می‌توان از ماده ۱۰۶۷ ق.م مدنی استنباط نمود (صفایی، ۱۳۸۶: ۹۵).

بند سوم: ضمانت اجرای اشتباه در اوصاف اساسی

اگر یکی از طرفین در وصف دیگری اشتباه کند (نه در هویت جسمی او) چنانچه مرد تصور کند که زن باکره یا دارای هنر خاصی است یا زن تصور کند که مرد دارای شغل و مقامی خاص یا مدرک تحصیلی معین یا منسوب به شخص بزرگی است و بعداً کشف شود که فاقد وصف مذکور بوده است، این اشتباه موجب بطلان نکاح نمی‌باشد، بلکه فقط حق فسخ برای اشتباه کننده ایجاد می‌کند، مشروط بر این که وجود صفت خاص در طرف صریحاً در عقد شرط شده یا طرفین بر آن تبانی کرده باشند (علامه، ۱۳۸۵: ۲۵). در همین رابطه ماده ۱۱۲۸ ق.م اشعار می‌دارد: هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح گردد یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.

بند چهارم: ضمانت اجرای اشتباه در اوصاف فرعی

به نظر می‌رسد چون خود شخص به جهت عدم بررسی و به صرف تصور خود دچار چنین اشتباهی شده و طرف مقابل در به اشتباه انداختن وی نقشی نداشته، به صحت نکاح واقع شده خللی وارد نمی‌شود. زیرا هم وصف اساسی نبوده که اگر چنین ویژگی را دارا بود باید وارد قلمرو تراضی دو طرف عقد می‌شد. لذا نباید اشتباهات شخصی هر یک از طرفین زمینه لطمه به صحت یا استحکام نکاح را فراهم سازد. در این رابطه باید به نکاتی اشاره نمود:

ممکن است تصور شود که در هر تدلیسی، نوعی اشتباه وجود دارد و لذا تدلیس و اشتباه باید تابع یک حکم باشند نه احکام متفاوت، اما به نظر می‌رسد که بین تدلیس و اشتباه تفاوت وجود دارد.

اگر اشتباه در اوصاف اساسی و جوهری موضوع معامله یا شخصیت طرف (آن جا که شخصیت طرف علت عمده عقد است) رخ دهد، عقد باطل است، زیرا اراده معیوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که سبب این اشتباه، تدلیس باشد یا بیان اوضاع و احوال، و اگر اشتباه در اوصاف فرعی باشد، این اشتباه اثری در عقد ندارد، ولی اگر

این اشتباه بر اثر تدلیس ایجاد شده باشد و به عبارتی اگر تدلیس در اوصاف فرعی هم شده باشد، حق فسخ ایجاد می‌شود.

با توجه به آن چه که بیان شد، نمی‌توان قواعد مشابه را بر پیکره اشتباه و تدلیس قرار داد و آن دو را یکسان دانست، زیرا تدلیس پندار نادرستی است که در ذهن یکی از طرفین عقدا ایجاد می‌شود (اوصیا، ۱۳۸۱: ۲۹۸)، که سبب آن یکی از طرفین معامله است یا شخص ثالثی، اما در اشتباه پندار نادرست در ذهن خود مشتبه به وجود می‌آید که تدلیس می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد. در تدلیس نوعی تقلب و ریا وجود دارد که قصد فریب دادن در آن از اهمیت بسزایی برخوردار است و ماده ۴۳۸ ق.م.همین وصف فریبکاری را نشانه می‌گیرد، فریب باید پیش از انجام معامله رخ دهد و انگیزه تراضی قرار گیرد، در حالی که اشتباه باید در زمان تراضی تلقین شود تا در عقد مؤثر باشد، لذا بین اعمالی که با قصد فریفتن انجام می‌شود با موردی که چنین قصدی وجود ندارد تفاوت است، همچنین از باب قلمرو ضمانت اجرا نیز آن دو باهم متفاوتند (دولت‌شاهی، ۱۳۸۸: ۹۵).

بخش سوم: مقایسه ضمانت اجرای اشتباه در شخصیت طرف در عقد نکاح و

سایر عقود

اصل لزوم و صحت معاملات ایجاب می‌کند که اشتباه، یعنی تصور خلاف واقع طرف‌های عقد، در سرنوشت معامله بی‌تأثیر باشد. مع الوصف اشتباهات طرف‌های عقد را نمی‌توان یکسان دانست و باید آن را تفکیک نمود. بعضی از اشتباهات که مانع تأثیر اراده و تحقق قصد انشاء می‌شوند، سبب بطلان عقد خواهند بود، مثل اشتباه در ذات و ماهیت مورد معامله. برخی دیگر از اشتباهات مثل اشتباه در بعضی اوصاف مورد معامله، هیچ اثری در صحت عقد ندارد. علاوه بر اشتباه در مورد معامله، ممکن است در شخص طرف معامله نیز اشتباه رخ دهد. در این صورت، هرگاه شخصیت طرف، علت عمده عقد باشد، یعنی عقد با لحاظ شخصیت و شخص بخصوص منعقد شده باشد، اشتباه در شخص طرف معامله، سبب بطلان عقد خواهد بود. در غیر این صورت اشتباه در شخص طرف معامله، اثری در عقد ندارد. معمولاً در عقود نظیر نکاح، صلح یا هبه، شخصیت طرف علت عمده عقد به شمار

می‌آید که اشتباه در این موارد، سبب بطلان عقد است. اشتباه در شخص طرف معامله را در دو فرض باید بررسی کرد:

شخصیت طرف، علت عمدۀ عقد نباشد.

شخصیت طرف، علت عمدۀ عقد باشد.

منظور از شخص، انسان معین و مشخص، و مقصود از شخصیت، مجموع اوصاف و عوارضی است که فردی را از افراد دیگر متمایز می‌کند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۳۵). ماده ۲۰۱ ق.م.ه. هر دو واژه را به کار برده است. "اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌کند مگر در مواردی که شخصیت طرف، علت عمدۀ عقد بوده باشد. اشتباه ممکن است درباره شخص طرف معامله باشد، مثلاً شخصی خانه خود را به حسن صلح کند و بعد معلوم شود، متصالح، حسین بوده است، و ممکن است اشتباه در شخصیت طرف معامله رخ دهد، در این صورت شخصیت به مجموعه اوصاف و خصوصیات فرد معین اطلاق می‌شود نه به برخی از اوصاف او. در این صورت نیز همان معنای شخص، از آن افاده می‌شود، زیرا شخص، فردی است که دارای اوصاف و عوارض خاصی باشد. اشتباه در یکی از اوصاف فرد طرف معامله، اثری در عقد ندارد، به همین علت حتی در عقد نکاح که شخصیت طرفین، علت عمدۀ عقد است، اشتباه در یکی از صفات نه اشتباه در شخصیت هر چند صفت اساسی هم باشد، اثری در عقد ندارد، مگر اینکه این صفت در عقد، شرط شده یا عقد بنای بر آن منعقد شده باشد که در این صورت برای طرف مقابل در صورت فقدان صفت مذکور، حق فسخ نکاح به وجود می‌آید (نظری، ۱۳۷۷: ۱-۹).

۱- شخصیت طرف معامله علت عمدۀ عقد نیست: منظور از علت عمدۀ عقد، علت و هدف مستقیمی است که شخص از انعقاد معامله دارد، به نحوی که اگر آن علت وجود نداشت، شخص حاضر به معامله نمی‌شد، مثلاً شخصی اموال خود را به دانشمند مشهوری هبه می‌کند، در این صورت، شخصیت دانشمند علت عمدۀ عقد هبه است و اگر پس از عقد معلوم شود متهم آن، دانشمند معروفی نبوده، عقد هبه باطل خواهد بود. در غیر این صورت، اشتباه در شخص طرف معامله، اثری در عقد ندارد. مثل اینکه شخصی کالایی را از علی بخرد ولی اشتبهاً تصور کند او احمد است. در این مورد، معامله حتی قابل فسخ هم نیست، زیرا شخصیت طرف معامله علت عمدۀ عقد نبوده است، بلکه علت عمدۀ عقد بدست

آوردن عوضین یعنی مبیع و ثمن بوده که با عقد محقق شده است و اینکه عوض یا معوض از چه کسی دریافت شده، و این شخص دارای چه خصوصیتی است، برای طرفین، اهمیتی ندارد. هرچند معمولاً اشخاص ترجیح می‌دهند با افراد خوشنام و معتبر معامله کنند، اما این امر به حدی نیست که علت عمده عقد به حساب آید، بنابراین ماده ۲۰۱ ق.م. مقرر داشته «اشتباه در شخص طرف، به صحت معامله خللی وارد نمی‌سازد...». بعضی از فقها، (انصاری، ۱۹۹۰: ۳۲۲) هنگام بحث از شرایط متعاقدين، این سؤال را طرح کرده‌اند که آیا تعیین مالکان مبیع و ثمن لازم است یا خیر و در پاسخ، گفته‌اند که تعیین عوض و معوض در عقد، ما را از تعیین مالک بی‌نیاز خواهد ساخت، مگر در عقود نظیر نکاح که حتماً باید طرفین معلوم باشند. از این استدلال استنباط می‌شود که هرگاه شخصیت، طرف علت عمده عقد نباشد، اشتباه در آن، اثری در صحت عقد ندارد.

۲- شخصیت طرف، علت عمده عقد است: در این مورد علت انعقاد عقد، شخصیت طرف معامله است، به نحوی که اگر اشتباهی در این مورد رخ دهد، عقد باطل خواهد بود، زیرا این اشتباه در قصد انشای طرف که سازنده عقد است، اثر گذاشته آن را از اثر می‌اندازد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۱۴۳). در عقود نظیر نکاح، هبه، صلح و وقف، شخصیت طرف، علت عمده عقد محسوب می‌شود، مثلاً هرگاه شخصی خانه خود را به فردی صلح کند به تصور اینکه این شخص نوه اوست که سالهاست او را ندیده است، و بعد معلوم شود فرد مذکور نوه او نبوده، عقد صلح باطل است، زیرا قصد مصالح، صلح خانه به نوه خود بوده، نه هر شخص دیگر و حال که معلوم شده اشتباه رخ داده، در حقیقت، قصد انشاء هم محقق نشده و عقد باطل خواهد بود.

در نتیجه می‌توان گفت: در تمام عقود موجود در قانون نمی‌توان قائل به این مهم بود که شخصیت طرفین همیشه علت عمده وقوع عقد است، لکن هر جا که عقد به خاطر شخصیت طرف عقد منعقد می‌شود و متعاقباً عدم وجود آن شخصیت در طرف عقد احراز می‌گردد، از حیث ضمانت اجرا فرقی میان عقد نکاح با سایر عقود نخواهد بود و عقد منعقد شده محکوم به بطلان خواهد بود. در عقود غیر مالی نظیر نکاح، معمولاً شخصیت طرف، علت عمده عقد است، در سایر عقود معوض نظیر بیع نیز هرگاه ثابت شود، شخصیت طرف، علت عمده عقد بوده و اشتباهی در آن رخ داده است، این اشتباه عقد را باطل می‌کند.

ماده ۷۶۲ ق.م. در مورد عقد صلح به این امر تصریح می‌کند: "اگر در طرف مصالحه یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است." هرچند قانون در مورد عقد هبه یا وقف، به این امر تصریح نکرده اما معلوم است که در این عقود نیز شخصیت طرف، معمولاً علت عمده عقد است و اشخاص معمولاً حاضر به هبه یا وقف اموال خود به اشخاص ناشناس نیستند و شخصیت طرف عقد، برای واهب یا واقف، علت عمده عقد است. با توجه به اینکه در بین عقود یاد شده، در عقد نکاح شخصیت طرفین بیش از هر عقد دیگری مورد نظر بوده و هدف عمده عقد محسوب می‌شود. در خصوص اشتباه در شخصیت زوجین، شخصیت طرفین در عقد نکاح علت عمده عقد است، به نحوی که می‌توان گفت این عقد به لحاظ شخصیت طرفین منعقد می‌شود. به همین علت هم در فقه و هم ماده ۱۰۶۷ ق.م. اعلام داشته: "تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط صحت نکاح است." تعیین طرفین عقد نکاح باید به نحوی باشد که هیچ شبهه‌ای برای ایشان باقی نماند، این امر بوسیله مشاهده، تعریف و ذکر نام و مشخصات صورت می‌گیرد. بنابراین، هرگاه شخصی یکی از دو نفر را به نحو مردد به همسری برگزیند، عقد نکاح باطل خواهد بود (نجفی، ۱۳۶۸: ۳۴).

برخی از فقها عقیده دارند تعیین و شناسایی زوجین در عقد نکاح از این جهت واجب است که زن و شوهر به منزله عوض و معوض در عقد محسوب می‌شوند و چون جهل به عوضین سبب بطلان معامله است، پس عدم شناسایی یا اشتباه در طرف عقد نکاح، عقد را باطل خواهد کرد (انصاری، ۱۹۹۰: ۳۲۶).

لکن به نظر می‌رسد با توجه به اینکه عقد نکاح از عقود غیر مالی است و انسان را نمی‌توان مانند عوضین در معامله به حساب آورد، باید معتقد بود که تعیین زن و شوهر از این جهت اهمیت دارد که شخصیت ایشان علت عمده عقد است و اشتباه از این جهت سبب بطلان عقد می‌شود، نه از جهت مجهول ماندن عوضین.

نتیجه‌گیری

در عقد نکاح، اشتباه در اوصاف شخص طرف قرارداد از دو حالت خارج نیست، از طرفی ممکن است وصف منظور به هیچ وجه وارد قلمرو تراضی نشده باشد، که در این صورت اشتباه در آن هیچ اثری ندارد. از طرف دیگر ممکن است وصف مورد نظر صریحاً یا ضمناً (به

دلالت عرف یا با توجه به مذاکرات مقدماتی) وارد قلمرو تراضی شود که در این صورت مؤثر بر قرارداد خواهد بود. اثر اشتباه بسته به میزان اهمیت آن متفاوت است. چنان چه اشتباه در اوصافی باشد که شکل دهنده هویت شخص طرف قرارداد باشد، همان طور که در سایر قراردادهای از آن به عنوان اوصاف جوهری یاد می‌شود، موجب بطلان خواهد بود، مبنای این ادعا قاعده تبعیت عقد از قصد و لزوم انطباق ایجاب و قبول است. اما چنان چه اشتباه در سایر اوصاف باشد که گرچه مطلوب متعاقد بوده اما تشکیل دهنده هویت شخص طرف قرارداد نیست، فقط التزام عقدی را از بین می‌برد و باعث حق فسخ می‌شود. این ادعا نیز هماهنگ با قواعد خیرات و ماده ۱۱۲۸ ق.م.می‌باشد. مهم‌ترین این قراردادهای عقد نکاح می‌باشد، که اشتباه در هویت مادی و هویت مدنی طرف مقابل موجب بطلان عقد خواهد شد ولی اشتباه در اوصاف طرف مقابل در فرضی که شخص تصور می‌کند فلان ویژگی را می‌بایست دارا باشد و خلاف آن برای وی ثابت شود اثری در عقد نخواهد داشت مگر اینکه بر وصف خاصی به صورت صریح یا ضمنی توافق شده باشد که در این صورت نیز موجب بطلان نخواهد بود و تنها خیار فسخ خواهد داشت. ضمانت اجرای اشتباه در عقد نکاح با سایر عقود از جهاتی مشابه و از جهاتی دارای تفاوت است، بدین شرح که ضمانت اجرای اشتباه در هویت مادی در عقد نکاح بی شک بطلان خواهد بود، اما در سایر قراردادهای بخصوص قراردادهای معوض، اشتباه در هویت مادی مطرح نیست زیرا، در این عقود هدف همان عوض و معوض است و اینکه برای مثال مبیع از بایع الف خریده شود یا بایع ب چندان تأثیری بر قرارداد ندارد. در خصوص ضمانت اجرای اشتباه در شخصیت طرف قرارداد در سایر عقود اگر شخصیت طرف قرارداد، علت عمده عقد باشد، اشتباه در آن، سبب بطلان عقد خواهد شد که بیشتر در عقود مجانی مثل هبه، وقف، ممکن است تبلور یابد، لکن اگر شخصیت طرف علت عمده عقد نباشد اشتباه در شخص طرف قرارداد خللی به آن وارد نمی‌سازد، لکن در عقد نکاح همان طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، به جهت اینکه یک عقد غیرمالی است و شائبه‌های مادی کمتر در آن وجود دارد و صرف یک داد و ستد ساده نبوده که مردی در برابر زنی قرار گیرد و بی شک شخصیت طرف مقابل دارای اهمیت بوده و عقد نکاح با توجه به آن منعقد شده است، لذا اشتباه در آن سبب بطلان نکاح خواهد شد. در خصوص اشتباه در اوصاف اساسی در سایر عقود، اگر وصف منظور چنان اساسی باشد که در واقع ماهیت موضوع عقد به آن وابسته باشد، بی شک سبب بطلان عقد خواهد شد، اما

ضمانت اجرای اشتباه در اوصاف اساسی در عقد نکاح فقط موجبات حق فسخ را ایجاد خواهد نمود.

- ضمانت اجرای اشتباه در عقد نکاح با سایر عقود متفاوت است، از این جهت که اشتباه در اوصاف اساسی در سایر قراردادها در واقع همان اشتباه در اوصاف جوهری می‌باشد در نتیجه فقدان این اوصاف سبب بطلان قراردادهایی نظیر بیع خواهد شد، اما اشتباه در اوصاف اساسی یکی از زوجین فقط موجبات خیار فسخ را به استناد ماده ۱۱۲۸ ق.م.فراهم می‌سازد.

- ضمانت اجرای اشتباه در هویت مادی طرف عقد نکاح، سبب بطلان است و ضمانت اجرای اشتباه در اوصاف اساسی طرف، سبب ایجاد حق فسخ است. اشتباه در شخصیت طرف که از آن به اشتباه در وضعیت مدنی یا اشتباه در شخصیت طرف تعبیر می‌گردد نیز باعث بطلان نکاح است. نکته مهم این است که شخص با شخصیت تفاوت دارد. شخص یعنی جسم (سر و دست و پا) و شخصیت یعنی مجموعه خصوصیات که یک شخص را از شخص دیگر جدا می‌کند. در این حالت دوم، شخص همان است. یعنی اشتباهی در شخص رخ نداده است، ولی در شخصیت اشتباه شده است. یعنی یک شخص خودش را جای دیگری جا زده است.

منابع و مأخذ

۱- کتب

۱. امینی، علیرضا - آیتی، محمدرضا (۱۳۹۰)، تحریر الروضه فی شرح اللمعه الدمشقیه با مقدمه ابوالقاسم گرجی، جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۶)، المکاسب، جلد اول، چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳. بازگیر، ید الله (۱۳۸۴)، قانون مدنی در آئینه آرای دیوانعالی کشور (حقوق خانواده)، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی.
۴. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات مجد.
۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۶)، کلیات عقود و قراردادها- حقوق مدنی (۳)، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۶. رسولی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۷. شهیدی، مهدی (۱۳۸۸)، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: نشر حقوقدان.
۸. صفایی، سید حسین - امامی، اسدالله (۱۳۹۱)، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی و یکم، تهران: نشر میزان.
۹. عدل، منصور (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی- اعمال حقوقی (قرارداد- ایقاع)، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. مرتضوی، عبدالمجید (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، تهران: ناشر نیکتاب.

۲- مقالات و پایان نامه‌ها:

- اوصیا، پرویز (۱۳۸۱)، تدلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، انگلیس، اسلام و ایران)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دولت‌شاهی، مهران (۱۳۸۸)، اشتباه در شخصیت طرف معامله در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران.
صفایی، حسین (۱۳۸۶)، اشتباه در شخص طرف قرارداد در حقوق ایران و فرانسه، ماهنامه کانون، شماره ۵.

نظری، ایراندخت (۱۳۷۷)، فسخ نکاح، فصلنامه ندای صادق، سال سوم، شماره ۱۱
نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۵)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد بیست و دوم، چاپ هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی